ابن مجاهد و نقش او در تثبیت مصحف عثمان و طرد قراءات مخالف آن

نکته دومی که در ذیل این حدیث عیون هست این است: آن چیزی که ما در این مباحثه که شش-هفت سال طول کشیده است. اوائل خیلی کند جلو رفتیم و همینطور تکرار و تکرار شد. بحمد الله شواهد اضافه شد و دل گرم شدیم. هر چه شواهد بیشتر شد فضای مباحثه برای ما چیز دیگری شد. آن نکته این است که ما با روند کند در اوائل مباحثه، میخواستیم با شواهدی ذهنیت در قبل از آن نقطه عطف تاریخی را زنده کنیم. یعنی فضای ذهنی قبل از ابن مجاهد را بازسازی کنیم. قبل از ابن مجاهد فضا بین علماء و عموم چه بود. بازسازی فضای ذهنی قبل از قرن سوم. بازسازی فضای ذهنی قبل از احراق مصاحف. همه اینها نقاط عطف است. احراق مصاحف یک نقطه عطف است. کار ابن مجاهد یک نقطه عطف است. ما خیلی بهدنبال اینها بودیم. مرتب بهدنبال شواهد بودیم و مطالب خوبی هم جمع آوری شد. شما هم که در سن جوانی هستید بعداً شواهد بیشتری ان شاءالله پیدا میکنید؛ له و علیه بحث.

این روایت شریف برای مطلبی که عرض کرده بودم خیلی کمک میکند. یعنی برای ذهنیتی که در قرن سوم حاکم بود، خیلی کمک میکند. فایل های مباحثه ما موجود است. مفصل عرض کردم. از قرن اول تا پایان قرن دوم –زمان شافعی که آخرین نفر بود- یک ذهنیت حسابی در فضای خودشان برای سبعة احرف حاکم بود. بعد از قرن دوم آن فضای سبعة احرف در ترادف تسهیلی و حرف ابن عینیه رفت. چرا؟ بهخاطر زحمات قراء سبعه و عشره و شاگردان و اساتید آنها. به قدری زحمت کشیدند تا دیگر آبروی معنای سبعة احرف بین مسلمین رفت. در قرن سوم کسی حاضر نبود بگوید سبعة احرف یعنی خودت بگو «هلم، تعال». هیچکس حاضر نبود انس را تصدیق کند که وقتی آیه را میخواند بگوید «إن ّانشئَ َاللّيْ ِلهي أَشَدّ ًوطْئا[1] و َأصوب قيلا».

> حدثنا الأعمش، أن أنس بن مالك قرأ هذه الآية: "إن ناشئة الليل هي أشد وطئا وأصوب قيلا" فقال له رجل: إنما نقرؤها {وأقوم قيلا} فقال له: إن أصوب وأقوم وأهيأ وأشباه هذا واحد[2]

این خیلی مهم است. تفسیر ابن کثیر این را آورده و در کتب قدیمی هم هست. این نظر انس بود. میگفت هر جوری میخواهی مرادف بیاور. ابن عینیه چه گفت؟ گفت بگو «هلم، تعال، اقبل». خود شارع فرموده «سبعةاحرف». خب این فضا تا قرن دوم بود. با زحمات اینها آبروی این حرف رفت. ما چندین سال اینها را بحث کردیم. آبروی این حرف رفت ولی از دویست تا سیصد –تا پایان کار طبری- در این صد سال هنوز یک فضای ذهنی خیلی راحتی بود که بعد از کار ابن مجاهد و با شروع

قرن چهارم این هم دوباره محو شد. بعد هم اصلاً یک چیز مستنکری شد. در قرن سوم خوشایندشان نبود که مرادف بیاورند که به آن تالوت بالمعنی میگویند. اما در این قرن در یک چیز دیگری، هیچ مشکلی نداشتند. این بود که ما یک قرائاتی داریم که مخالف مصحف عثمان است. این قرائات نسبت به مصحف عثمان کم و زیاد دارد. بزرگان علم و فضل از شیعه و سنی با اینها مشکلی نداشتند. بهراحتی برای هم نقل میکردند و میگفتند این قرائت است. تا سال سیصد به این صورت بود.اما بعد از آن ابن مجاهد اینها را به هم زد. هفت قاری درست کرد و السبعه را نوشت و با زور حکومت اینها را جا انداخت. ابن شنبوذ را ادب کرد، ابن مقسم را ادب کرد. لذا بعد از این کارها و دنبالهٔ آن، التیسیر، الشاطبیه و... نوشته شد.

---

[1]المزمل ۶

[2]تفسير ابن كثير ت سلامة (۸/ ۲۵۲)

بازبینی #3
ایجاد شده 19 مارس 2024 11:29:54 توسط ... .
به روزرسانی شده 11 مه 2024 14:55:39 توسط ... .